

بررسی ابعاد و جوانب پیام اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با معاون بنیاد ملی خانواده

عبور از گردنه خطیر جمعیتی با اسم رمز «خانواده‌محوری»

مریم احمدی شیروان| آینده روشن و پرشکوه ایران در گرو حضور جوانانی است که قرار است چرخ‌های پیشرفت این آب و خاک را به حرکت درآورند. انتشار پیام مهم و راه‌گشای رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی سید مجتبی خامنه‌ای به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت، بار دیگر نشان داد مسئله «خانواده و فرزندآوری» تا چه اندازه برای ایشان حیاتی و سرنوشت‌ساز است. ایشان در این پیام با بیانی دلسوزانه و صریح، افزایش جمعیت را کلید اقتدار کشور دانستند و تأکید کردند باید با اراده‌ای قوی «غفلت ممتد و خسارت‌بار» سیاست‌های گذشته را جبران کنیم.

به همین بهانه و برای درک بهتر ابعاد این پیام راهبردی، با حجت‌الاسلام والمسلمین علی گودرزی، معاون جمعیت بنیاد ملی خانواده و از پژوهشگران و سیاست‌پژوهان باسابقه حوزه جمعیت گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

پیام اخیر رهبر معظم انقلاب، مسئله جمعیت را نه یک موضوع صرفاً آماری، بلکه یک «مؤلفه اقتدار و تمدن‌ساز» می‌داند. از نگاه شما، چرا در ریل‌گذاری‌های گذشته، این مسئله تا این حد تقلیل یافته بود و چگونه می‌توان ذهنیت جامعه را به این تراز راهبردی ارتقا داد؟

یکی از عوامل اصلی در کاهش جمعیت، چه در کشورهای غربی و چه در کشور عزیز ما، ترویج فردگرایی بوده است. متأسفانه فردگرایی جزو زیرساخت‌های اصلی کنترل جمعیت است که غربی‌ها آن را ترویج کردند و کشور ما را نیز درون این تله قرار دادند. البته جامعه ما اصالتاً یک جامعه خانواده‌دوست است، اما تهدیدهایی که در زمینه فردمحوری وجود دارد اصلاً کم نیست. مبنای برنامه‌ریزی ما باید خانواده‌محوری باشد. البته نباید از مسائل مرتبط با حوزه‌های فردی غفلت کرد، اما سیاست‌گذاران باید بدانند محور تمام برنامه‌ریزی‌ها باید خانواده باشد. متأسفانه گاهی تصمیماتی در حوزه‌های مختلف گرفته می‌شود که خانواده‌محوری را نقض می‌کند؛ بنابراین تأکید رهبر رشید انقلاب اسلامی بر این مطلب، برای آن است که ریل سیاست‌گذاری روی مدار «خانواده‌محوری» تنظیم شود و هر جا تخطی شده، به همین ریل بازگردد. از سوی دیگر، نتیجه اتفاقات و سیاست‌های غلط گذشته این شده که امروز نرخ باروری ما به ۱٫۳ رسیده است. در میان ۲۶ کشور منطقه، ما در جایگاه بیست‌وپنجم و ته‌جدول قرار داریم و نرخ باروری ما تقریباً نصف یا حتی کمتر از نرخ باروری رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اصلی ماست. پیام آقا نشان می‌دهد اگر به سبک زندگی درست بازگشتی نداشته باشیم و خطاهای گذشته را جبران نکنیم، حتماً درون سیاه‌چاله جمعیتی سقوط خواهیم کرد.

■ ایشان در پیام خود از «غفلت ممتد و خسارت‌بار» سخن گفتند که منجر به سیاست‌های تنبیهی علیه فرزندآوری شد. از دیدگاه شما، کدام‌یک از این سیاست‌ها بیشترین آسیب را به هسته سخت خانواده‌محوری وارد کرد و مسیر بازگشت از آن چیست؟

درباره آن غفلت تاریخی، رهبر شهید انقلاب اسلامی پیش‌تر فرموده بودند ما در ابتدای دهه ۷۰ کاری را شروع کردیم که نهایتاً باید در اواسط آن دهه متوقف می‌شد، اما این کار را نکردیم و این خطای بزرگی بود. حتی ایشان با شجاعت فرمودند خود من هم در این خطاها سهیم بوده‌ام و باید به پیشگاه خداوند متعال و تاریخ توبه کنیم.

این غفلت زنجیره‌وار چند مرحله داشت؛ در برنامه توسعه اول بنا بود هدفی در حوزه کنترل جمعیت طی ۲۳ سال انجام شود، اما متأسفانه این مسیر را سه‌ساله طی کردند. یعنی در سال ۱۳۷۱ نرخ باروری به عدد ۴ کاهش یافت و به هدف رسیدیم. اینجا دیگر نیازی به قانون‌گذاری جدید نبود، اما غفلت دوم رخ داد و «قانون تنظیم خانواده» تازه در سال ۱۳۷۲ تصویب شد. غفلت سوم این بود در سال ۱۳۷۶ در کنفرانس قاهره به صندوق جمعیت سازمان ملل تعهد دادیم نرخ رشد جمعیتمان را به «صفر» برسانیم.

ما در تبلیغات تحدید نسل حتی به جعبه کبریت هم رحم نکردیم. کار به جایی رسید که مردم را تنبیه قانونی کردیم؛ اگر فرزند چهارمی به دنیا می‌آمد، به او بیمه نمی‌دادیم، شناسنامه‌اش به‌سختی صادر می‌شد و کوپن او را قطع می‌کردند. بخشی از این سبک زندگی غلط، ناشی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دهه‌های گذشته بود و بخش دیگر به خاطر همین تنبیه‌های قانونی بود حتی اگر کسی فرزند می‌خواست، عملاً نمی‌توانست. بخش تلخ دیگر، عقیم‌سازی‌های رایگان با اطلاعات غلط بود؛ می‌گفتند این عمل ۹۹ درصد قابل بازگشت است در حالی که عمدتاً غیرقابل بازگشت بود و اگر کسی پشیمان می‌شد، برای بازگشت، از او هزینه‌های کلان می‌گرفتند. امروز برای جبران این غفلت خسارت‌بار که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند، ناچاریم تمام آن تشویق‌ها و تنبیه‌های تعبیه‌شده در قوانین گذشته را به نفع «فرزندآوری» برگردانیم.

■ رهبر معظم انقلاب بر حفظ جهات مطلوب کمی و کیفی تأکید کردند. برخی تصور می‌کنند افزایش جمعیت لزوماً به معنای کاهش کیفیت تربیتی است. چگونه می‌توان مدل «خانواده‌محور» را به‌گونه‌ای تبیین کرد که این دوگانه کمیت/کیفیت در ذهن مردم فروبریزد؟

نسل در تراز تمدن نوین اسلامی دو جهت دارد: کمّی و کیفی. جهت کمّی همین لزوم افزایش جمعیت است که در پیام آقا شاهدیم؛ چون اگر همین روند ادامه یابد، کشور از نعمت جوانی جمعیت محروم می‌شود. اما در بحث کیفیت؛ گاهی تصور می‌شود دغدغه تربیت فرزند مانع فرزندآوری است. واقعیت این است اگر بستر خانواده را در شرایط مطلوبی ترسیم کنید، حضور دو یا چند فرزند در این بستر نه‌تنها مشکل‌ساز نیست، بلکه کیفیت تربیتی را بالا می‌برد.

گاهی والدین فکر می‌کنند تعدد فرزندان کار را سخت می‌کند. اتفاقاً تربیت فرزندان متعدد در کنار یکدیگر، بسیار راحت‌تر از تربیت تک‌فرزند است که آسیب‌های جدی در انتظار او است. تک‌فرزند چون امکانات منحصراً در اختیارش بوده و با چالش کمتری روبه‌رو شده، در آینده مستعد وابستگی است و قدرت تعامل و مهارت حل مسئله‌اش ضعیف‌تر خواهد بود. اما در خانواده‌های چندفرزندی، در دل تعاملات و رفت‌وبرگشت‌های میان بچه‌هاست که تربیت بهتر، توانمندی بیشتر و قدرت حل مسئله شکل می‌گیرد. چنین نسلی است که می‌تواند هم به لحاظ کمیت و هم کیفیت در تراز تمدن نوین اسلامی قرار گیرد.

■ تعبیر «ایرانی غیور» در کلام رهبر معظم انقلاب، دایره شمول وسیعی دارد که فراتر از چارچوب‌های سیاسی است. شما این غیرت جمعیتی را چگونه تعریف می‌کنید و چطور می‌توان این مفهوم را به یک نیروی محرک برای نقش‌آفرینی آحاد مردم تبدیل کرد؟

در این زمینه با دو سطح از وظایف روبه‌رو هستیم. بخش نخست، وظایف فردی است. گاهی فعالان فرهنگی و مسجدی فقط به فکر دیگران‌اند؛ در حالی که نخستین وظیفه برای خود این افراد، فرزندآوری در خانواده‌شان است. حتی یک پدربزرگ هم نباید بگوید از من گذشته، بلکه وظیفه او حمایت مادی و معنوی از بچه‌ها و نوه‌هاست. بخش دوم، وظایف اجتماعی است. در دوران کاهش جمعیت تمام تریبون‌ها، تبلیغات، شعرها و سریال‌ها در اختیار سیاست کنترل نسل بود و روی در و دیوار می‌نوشتند «دو بچه کافی است». علت موفقیت آن دوران فاجعه‌بار این بود که همه ظرفیت‌ها پای کار آمدند.

امروز هم اگر قرار است اتفاق مثبتی بیفتد، همه کسانی که دل در گرو ایران دارند باید پای کار بیایند. رهبر معظم انقلاب با دقت و هوشمندی از عبارت «ایرانی غیور» استفاده کردند؛ یعنی حتی اگر کسی انقلاب اسلامی را هم قبول ندارد، فارغ از دین و مذهب و نگاه سیاسی‌اش، باید برای مسئله جمعیت قدمی و قلمی بردارد تا امتداد نسل ایرانیان حفظ شود.

■ با تمرکز بر بند «تسهیل ازدواج و ترویج فرهنگ خانواده‌محوری» نهادهای مذهبی و مساجد در بازسازی محیط خود برای میزبانی از خانواده‌های چندفرزندی با چه موانعی روبه‌رو هستند که باید برای تحقق این پیام، در اولویت اصلاح قرار بگیرد؟

مسجد خانواده‌محور مسجدی است که از نوزاد و کودک تا جوان در آن، جایگاه داشته باشند و هرگز احساس نکنند اضافه‌اند. متأسفانه الان اگر یک بچه در مسجد سروصدا کند، گاهی هیئت امنا با او برخورد و محدودش می‌کنند. در حالی که مسجد تراز، فضایی برای کودکان تعبیه می‌کند و یک نفر را برای نظم‌بخشی و مراقبت از آن‌ها اختصاص می‌دهد تا مادران با آرامش در مسجد حضور یابند.

به شکر خدا در مورد هیئت‌ها اکنون شاهد نمونه‌های الگویی هستیم که در حیاطشان مهدکودک، جایگاه شیردهی و میز تعویض پوشک نوزاد گذاشته‌اند. یا در حرم مطهر امام رضا(ع) اتاق‌هایی به نام مادر و کودک تعبیه شده و در گذشته در کنار ویلچر، کالسکه هم تحویل می‌دادند (که البته به‌تازگی دیده‌ام کالسکه‌ها را برداشته‌اند که جای سؤال دارد). تعبیه این امکانات یعنی سازه یک مکان مقدس متناسب با حضور یک خانواده کامل طراحی شده است. این اقدامات مثبت جای خوشحالی دارد، اما باید به‌شدت تکثیر شود تا حضور راحت خانواده‌های پرجمعیت در حرم مطهر، مسجد و مکان‌های فرهنگی به یک امر عادی تبدیل شود.

گفت‌وگو

کتاب‌خوانی را از روزی ۱۰ دقیقه آغاز کنیم

مطالعه عمیق، آرامش را به زندگی بازمی‌گرداند

پژوهشگر برتر حوزه علمیه خراسان با تأکید بر اینکه گسترش فضای مجازی به کاهش مطالعه عمیق و افزایش مطالعات پراکنده و کم‌فایده منجر شده، گفت: اختصاص روزانه حتی ۱۰ دقیقه به کتاب‌خوانی، در بلندمدت تأثیر چشمگیری بر ارتقای دانش و کیفیت زندگی انسان دارد.

به گزارش آستان نیوز، کتاب در فرهنگ اسلامی همواره جایگاهی فراتر از یک ابزار انتقال اطلاعات داشته و به‌عنوان بستری برای رشد فکری، آرامش روحی و ارتباط با اندیشه بزرگان شناخته شده است؛ با این حال، گسترش فضای مجازی و تغییر الگوهای مصرف محتوا، فرصت انس با کتاب را در زندگی روزمره بسیاری از افراد کاهش داده است. در چنین شرایطی، بازخوانی جایگاه مطالعه و شناخت راهکارهای بازگشت کتاب به سبد فرهنگی خانواده‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.



حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن ربانی بیرجندی، مؤلف ۸۱ کتاب در حوزه علوم اسلامی، پژوهشگر برتر حوزه علمیه خراسان، عضو هیئت‌علمی مرکز تخصصی آخوند خراسانی و مدرسه علمیه عالی نواب و استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد با اشاره به تأثیر فضای مجازی بر عادت‌های مطالعاتی جامعه، از ضرورت توجه به مطالعه عمیق، انتخاب کتاب متناسب با ذائقه مخاطب و اختصاص زمانی هرچند کوتاه، اما مستمر برای کتاب‌خوانی سخن گفت.

■ به نظر شما چه عواملی موجب کاهش سرانه مطالعه کتاب در جامعه شده است؟

البته باید توجه داشت تغییر الگوی مطالعه، مختص جامعه ما نیست و در کشورهای مختلف دنیا نیز اتفاق افتاده است؛ حتی در برخی کشورها مردم به مطالعه روزنامه علاقه بیشتری دارند. از طرفی، امروز نمی‌توان گفت میزان مطالعه به‌طور مطلق کاهش یافته است؛ زیرا مردم همچنان حجم زیادی از مطالب را در فضای مجازی می‌خوانند، اما مسئله اینجاست بخش قابل توجهی از این مطالعات، علم‌آور و مفید نیست.

فضای مجازی انسان را در معرض انبوهی از اطلاعات پراکنده قرار می‌دهد؛ اطلاعاتی که گاهی نه‌تنها دانش انسان را افزایش نمی‌دهد، بلکه موجب اضطراب و آشفتگی ذهنی نیز می‌شود. این در حالی است که مطالعه کتاب، به‌ویژه مطالعه عمیق و هدفمند می‌تواند به انسان آرامش بدهد.

امیرالمؤمنین علی(ع) کتاب‌ها را بستان‌های علما معرفی کرده‌اند. همان‌طور که انسان برای تجدید روحیه به طبیعت، پارک و فضای باز پناه می‌برد، کتاب نیز می‌تواند چنین نقشی در زندگی فکری و روحی انسان داشته باشد. کتاب فقط وسیله‌ای برای کسب اطلاعات نیست، بلکه می‌تواند مایه آرامش و تسلی خاطر باشد.

■ شما به آرامش‌بخش بودن مطالعه اشاره کردید. آیا در زندگی علما نیز نمونه‌هایی از این تأثیر وجود داشته است؟

بله نمونه‌های جالبی در زندگی بزرگان وجود دارد. مرحوم شیخ محمدحسن نجفی، صاحب کتاب جواهر الکلام در خاطره‌ای نقل می‌کند پس از درگذشت فرزندش، در نیمه‌های شب ابتدا کنار پیکر او قرآن خواند و سپس برای آرام کردن خود به نوشتن مباحث فقهی پرداخت. او حتی ثواب این کار را به روح فرزندش هدیه کرد.

در خاطره دیگری که در مقدمه یکی از کتاب‌های آقابزرگ تهرانی نقل شده، آمده است یکی از فرزندان ایشان پس از گرفتار شدن برادرش در جریان مسائل سیاسی دوره پهلوی، از پدر درباره چگونگی کنارآمدن با فشار روحی این اتفاق سؤال می‌کند. آقابزرگ تهرانی به او توصیه می‌کند خودش را با کتاب مشغول کرده و تصحیح یک کتاب یا نگارش مقدمه‌ای بر آن را آغاز کند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد کتاب می‌تواند انسان را از آشفتگی‌های ذهنی دور کند و به او فرصت تمرکز و آرامش بدهد. برخلاف بسیاری از محتواهای پراکنده فضای مجازی، مطالعه یک کتاب فرصتی برای ماندن با یک موضوع، اندیشیدن و عمیق‌شدن در آن فراهم می‌کند.

■ برای اینکه مردم به‌ویژه نسل جوان دوباره به کتاب علاقه‌مند شوند، چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

یکی از راه‌های مهم، شناخت ذائقه مخاطب و انتخاب کتاب‌هایی است که بتوانند علاقه او را به مطالعه برانگیزند. در دنیا نیز رمان یکی از قالب‌هایی است که به ترویج کتاب‌خوانی کمک کرده است. همان‌طور که یک مجموعه تلویزیونی با داستان جذاب، شخصیت‌پردازی مناسب و ساختار قوی، مخاطبان زیادی پیدا می‌کند، کتاب نیز می‌تواند با همین ویژگی‌ها مردم را به مطالعه علاقه‌مند کند.

به همین دلیل، من همیشه سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها و رمان‌ها را از جمله قالب‌های مناسب برای ایجاد علاقه به مطالعه می‌دانم. طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت همه مردم از ابتدا به‌سراغ کتاب‌های دشوار فلسفی یا مباحث تخصصی فقهی بروند. این کتاب‌ها مخاطب خاص خود را دارند و بیشتر برای افرادی مناسب هستند که در آن رشته فعالیت می‌کنند.

باید از کتاب‌هایی شروع کرد که خواندنشان برای مخاطب شیرین و جذاب باشد تا به‌تدریج زمینه انس بیشتر با کتاب فراهم شود.

در این زمینه، قائد شهید نیز به اهمیت مطالعه و ترویج آن توجه داشتند. در بررسی ویژگی‌های ایشان، از کثرت مطالعه یاد شده است. همچنین ایشان بر کتاب‌هایی که درباره خاطرات جبهه و دفاع مقدس نوشته می‌شد، تقریظ می‌نوشتند تا همین کار زمینه‌ای برای تشویق دیگران به مطالعه باشد.

■ شما به‌عنوان استاد حوزه و پژوهشگر، چه جایگاهی برای مطالعه در برنامه روزانه خود قائل هستید؟

اساس کار طلبگی با کتاب آمیخته است. طلبه باید با کتاب زندگی کند و همیشه کتاب در دسترسش باشد. من نیز همواره به طلبه‌ها توصیه می‌کنم کتاب زیر بغلشان باشد تا مشخص باشد با کتاب انس دارند، مطالعه کرده و برای پاسخ به مسائل به منابع مراجعه می‌کنند.

بخش گسترده‌ای از فعالیت روزانه ما نیز با کتاب سپری می‌شود. صبح‌ها تدریس داریم و پس از آن، چه در مدرسه علمیه عالی نواب باشیم و چه در دفتر تبلیغات اسلامی یا کتابخانه، بخش زیادی از زمان به مطالعه، تحقیق و مراجعه به منابع اختصاص پیدا می‌کند. تدریس و تألیف نیز بدون انس مستمر با کتاب امکان‌پذیر نیست. اما این مسئله فقط مختص حوزویان و پژوهشگران نیست. مردم عادی نیز می‌توانند با اختصاص زمانی کوتاه به مطالعه، این عادت ارزشمند را در زندگی خود ایجاد کنند.

■ بسیاری از افراد معتقدند مشغله‌های زندگی اجازه مطالعه نمی‌دهند. برای این گروه چه توصیه‌ای دارید؟

باید برنامه زندگی را تنظیم و اولویت‌ها را مشخص کرد. گاهی افراد تصور می‌کنند وقت ندارند، اما اگر به زمان‌هایی که پای تلویزیون یا تلفن همراه می‌گذرانند توجه کنند، متوجه می‌شوند فرصت‌های زیادی برای مطالعه وجود دارد.

لازم نیست از همان ابتدا زمان زیادی به کتاب‌خوانی اختصاص دهیم. اگر انسان خودش را عادت دهد که روزانه ۵، ۱۰ یا ۱۵ دقیقه مطالعه کند، همین زمان کوتاه در طول ماه‌ها و سال‌ها به میزان قابل توجهی تبدیل می‌شود.

برای نمونه، ما بدون مقدمه، تلفن همراه را برمی‌داریم و ساعت‌ها در کانال‌ها و صفحات مختلف می‌چرخیم، اما برای مطالعه کتاب باید خودمان را به این کار ملزم کنیم. یکی از مشکلات این است که برای محتوای فضای مجازی وقت زیادی اختصاص می‌دهیم، ولی برای مطالعه و تقویت اندیشه‌مان برنامه مشخصی نداریم.

کتاب باید در خانه نیز جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. گاهی خانواده‌ها برای تهیه انواع وسایل و لوازم خانه هزینه می‌کنند، اما وقتی نوبت به کتاب می‌رسد، کمتر به آن توجه دارند؛ درحالی که کتاب می‌تواند یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های فرهنگی یک خانواده باشد.

خاطره‌ای در این زمینه دارم. در سفری با اتوبوس به بیرجند، با فردی آشنا شدم که کارمند بیمه بود. او تعریف می‌کرد روزی فردی برای انجام کار اداری به محل کارش مراجعه کرده بود و پس از پایان کار، متوجه شده بود کتابی درباره امام‌زمان(عج) روی میز او قرار دارد. آن فرد یکی دو روز بعد سه کتاب درباره امام‌زمان(عج) برایش آورده و گفته بود چون متوجه علاقه شما به این موضوع شدم، این کتاب‌ها را از کتابخانه منزل برایتان آورده‌ام؛ مطالعه کنید و پس از پایان، با من تماس بگیرید.

این رفتار بسیار ارزشمند است. اینکه یک نفر از کتابخانه شخصی خود، کتابی را انتخاب کند و برای مطالعه در اختیار دیگری قرار دهد، نشان‌دهنده فرهنگ زیبای کتاب‌دوستی و ترویج مطالعه است. ما باید چنین رفتارهایی را در خانواده و جامعه گسترش دهیم.

■ آیا می‌توان گفت فضای مجازی علاوه بر کاهش مطالعه، بر روابط خانوادگی و سبک زندگی نیز تأثیر گذاشته است؟

قطعاً. مسئله فقط کم‌شدن مطالعه نیست. گاهی فضای مجازی آن‌قدر وقت و توجه انسان را به خود اختصاص می‌دهد که حتی روابط نزدیک خانوادگی نیز تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.

خاطره‌ای از یکی از بستگان نقل کنم. او می‌گفت شبی فرزندانش را به خانه دعوت کرده بود. همه آمدند، اما هرکدام روی مبل نشستند و سرگرم تلفن همراه و کانال‌های مختلف شدند. وقتی سفره شام پهن شد، برای خوردن غذا آمدند و پس از آن دوباره به‌سراغ تلفن‌هایشان رفتند. ساعت ۱۱:۳۰ یا ۱۲ شب هم بدون اینکه گفت‌وگوی قابل توجهی با پدر و مادر داشته باشند، خانه را ترک کردند.

این اتفاق نشان می‌دهد گاهی افراد برای دیدار خانواده به خانه می‌روند، اما در عمل ارتباطی با یکدیگر برقرار نمی‌کنند. در چنین شرایطی، حتی حضور فیزیکی اعضای خانواده نیز به معنای ارتباط واقعی و عاطفی نیست.

بنابراین، همان‌طور که کتاب‌خوانی نیازمند مدیریت است، استفاده از فضای مجازی، تماشای تلویزیون و سایر رسانه‌ها نیز باید کنترل شود. انسان باید برای وقت و فعالیت‌های خود برنامه و اولویت داشته باشد؛ زیرا اگر این امور مدیریت نشود، ممکن است بخش مهمی از فرصت‌های زندگی از دست برود.

■ برای افرادی که می‌خواهند مطالعه را آغاز کنند، چه کتاب‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

نخست باید مشخص شود فرد به چه موضوعی علاقه دارد و در چه زمینه‌ای به‌دنبال کسب آگاهی است. نمی‌توان برای همه افراد یک نسخه واحد پیچید. انتخاب کتاب باید با توجه به نیاز، علاقه و سطح مطالعاتی مخاطب انجام شود.

با این حال، کتاب‌هایی وجود دارند که می‌توانند برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان مفید باشند. یکی از این آثار، کتاب انسان ۲۵۰ ساله است که درباره زندگی ائمه اطهار(ع) و پیوستگی سیره و حرکت سیاسی و اجتماعی آن بزرگواران در دوره‌های مختلف بحث می‌کند.

این کتاب کمک می‌کند مخاطب، زندگی ائمه(ع) را به‌صورت یک مسیر پیوسته ببیند و متوجه شود با وجود تفاوت شرایط تاریخی و تغییر شکل ظاهری حوادث، بسیاری از مسائل و مواجهه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخ تکرار شده‌اند.

نیازهای اساسی انسان در طول تاریخ تغییر نکرده است؛ انسان همیشه به غذا، دفاع، ارتباط و سفر نیاز داشته، اما شیوه برآورده‌کردن این نیازها تغییر کرده است. مسائل اجتماعی و سیاسی نیز همین‌طور هستند. صورت بسیاری از اتفاقات تغییر می‌کند، اما ریشه و ماهیت برخی از آن‌ها همچنان ثابت می‌ماند. از این نظر، مطالعه چنین آثاری می‌تواند به شناخت بهتر شرایط امروز نیز کمک کند.

■ تألیف ۸۱ عنوان کتاب؛ شما خودتان نیز در حوزه تألیف و پژوهش فعالیت گسترده‌ای دارید. بیشتر آثار و مطالعاتتان در چه زمینه‌هایی است؟

تا امروز ۸۱ عنوان کتاب تألیف و چاپ کرده‌ام و حدود ۲۰ عنوان دیگر آماده انتشار هستند، اما هنوز فرصت چاپشان فراهم نشده است. بخش عمده آثار و مطالعات من در حوزه علوم اسلامی و موضوعات تخصصی این رشته قرار دارد.

البته در میان آثارم کتاب‌هایی نیز وجود دارد که برای استفاده عموم مردم نوشته شده است؛ از جمله کتاب خرافه‌زدایی که با هدف آشنا کردن مخاطب عمومی با موضوع خرافات و شناخت آن نگارش شده است.

جالب اینکه مدتی پیش یکی از دوستان از یک ابزار هوش مصنوعی درباره کتاب‌های حوزه خرافه‌زدایی سؤال کرده بود و این ابزار، کتاب من را معرفی و به برخی ویژگی‌های آن اشاره کرده بود. از جمله اینکه این کتاب دو مقاله تخصصی درباره خرافه‌زدایی دارد و برای استفاده عموم مردم نوشته شده است.

در کنار این آثار، در زمینه‌های مختلف علوم انسانی از جمله تفسیر، حدیث، لغت، فقه و تاریخ فقها و علما نیز نوشته‌هایی داشته‌ام. در حوزه فرهنگ عامه و فولکلور محلی نیز آثاری نگارش کرده‌ام. همچنین خاطرات و مجموعه‌ای با حال‌وهوای کشکول دارم که امیدوارم در آینده فرصت انتشار آن‌ها فراهم شود. در مجموع، بخش اصلی تخصص و مطالعات من در حوزه فقه، اصول و حدیث است؛ هرچند در موضوعات دیگر نیز متناسب با فرصت‌ها و نیازهای پژوهشی فعالیت داشته‌ام.